

تأثیر مثبت پایه یازدهم و پیامدهای منفی آن در گفت‌وگوی «جوان» با علی تفکری کارشناس آموزش

تصمیمات ناپایدار کنکوری آینده جامعه را متزلزل می‌کند

ثبات در سیاست‌های آموزشی، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری اعتماد انگیزه و برنامه‌ریزی مؤثر در میان دانش‌آموزان است



دانش‌آموزان سال تحصیلی برنهایی را پشت سر گذاشتند، به خصوص پایه دوازدهمی‌ها. آن‌ها که جنگ تحصیلی سوم، تغییر زمان برگزاری امتحانات نهایی و کنکور و پلتکلیفی‌های بی‌پایه را از سر گذراندند و اضطرابشان بیش از هر زمان دیگری افزایش یافت. در چنین شرایطی، بسیاری از آن‌ها و داوطلبان کنکور، انتظار داشتند تصمیم‌گیران آموزشی برای کاهش فشارهای موجود، راهکاری متناسب با شرایط فعلی پیدا کنند و برایشان استثنائاتی قائل شوند. اما مصوبه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، بحث را به مسیری دیگر برد؛ به سوی نمرات پایه یازدهم، نمراتی که دانش‌آموزان، یک سال پیش و در شرایطی کاملاً متفاوت کسب کرده بودند! عجیب‌تر آنکه آقایان مسئول و تصمیم‌گیرنده، برای شرایط بحرانی جنگی پایه یازدهمی‌ها و دوازدهمی‌ها، هیچ استثنائاتی قائل نشدند. همین موضوع سوالات فراوانی را ایجاد کرد، مثلاً اینکه تغییر نحوه اثرگذاری نمرات سال گذشته چه ارتباطی با مشکلات و نگرانی‌های امسال دارد؟ اصلاً آیا این تصمیم توانسته ذره‌ای از دغدغه‌های داوطلبان را بر طرف کند یا اینکه یک مناقشه تازه به مناقشات قبلی اضافه کرده است؟ «جوان» در این باب با علی تفکری، کارشناس حوزه آموزش گفت‌وگو کرده است تا این تصمیم عجیب را مورد بررسی قرار دهد.

دانش‌آموزان پایه یازدهم در سال گذشته با این تصور درس خوانده‌اند که نمرات امتحانات نهایی آن‌ها تأثیر قطعی خواهد داشت، اما طبق تصمیم جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی، این تأثیر مثبت اعلام شده است. به نظر شما آیا تغییر ارزش و اثرگذاری یک نمره پس از کسب آن، اقدامی قابل دفاع است؟

این سؤال، از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین موضوعات مطرح در حوزه سنجش و آموزش است. اگر بخواهم از منظر تخصصی به آن نگاه کنم، باید بگویم در هر نظام آموزشی، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، دو رکن اساسی برای ایجاد انگیزه در یادگیرندگان به شمار می‌روند. دانش‌آموز زمانی وارد یک سال تحصیلی می‌شود که بر اساس قواعد و وعده‌های مشخص برنامه‌ریزی کرده و تلاش خود را اسامان داده است. در واقع، نوعی پیمان روانی میان او و نظام آموزشی شکل می‌گیرد. حال اگر پس از پایان فرایند کسب نمرات، ارزش یا میزان اثرگذاری آن نمرات تغییر کند، از منظر روان‌شناسی سنجش به معنای تغییر قواعد بازی پس از پایان آن خواهد بود. از نظر آموزشی نیز چنین تصمیمی می‌تواند به ایجاد حس بی‌اعتمادی و سرخورگی در دانش‌آموزان منجر شود؛ زیرا آن‌ها تمام تلاش خود را بر پایه معیارهایی انجام داده‌اند که اکنون دستخوش تغییر شده است. در نظریات سنجش، اصل بر عدالت در ارزیابی است و هرگونه تغییر در وزن‌دهی نتایج پس از پایان فرایند ارزیابی، می‌تواند اعتبار و مقبولیت نظام سنجش را در نگاه مخاطبان تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، اگر بخواهم صریح و صادقانه پاسخ دهم، این اقدام از منظر استانداردهای سنجش آموزشی و روان‌شناسی یادگیری به‌سادگی قابل دفاع نیست. تغییرات در این حوزه باید نظار به آینده باشند، نه اینکه به نتایج گذشته تسری پیدا کنند. حتی اگر ضرورت‌های اجرایی یا سیستمی چنین تصمیمی را ایجاب کرده باشد، لازم بود سازوکارهای جبرانی مناسبی پیش‌بینی شود تا فشار روانی وارد شده به دانش‌آموزان کاهش یابد و احساس بی‌عدالتی جایگزین تلاش و انگیزه آنها نشود.

حال چنین تصمیمی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ناخواسته این پیام را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند که حتی پس از پایان یک آزمون و ثبت نمرات نیز ممکن است قواعد اثرگذاری آن نمرات تغییر کند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان از دانش‌آموز انتظار برنامه‌ریزی بلندمدت داشت؟

متأسفانه همین‌طور است. به اعتقاد من، این تصمیم فراتر از یک تغییر لاری باقی، حامل یک پیام روان‌شناختی عمیق



و در عین حال متناقض برای دانش‌آموزان است. در هر فرایند آموزشی و رشدی، دانش‌آموز نیاز دارد به مجموعه‌ای از قواعد ثابت و قابل اتکا تکیه کند تا بتواند برای آینده خود برنامه‌ریزی کند. زمانی که قواعد اثرگذاری نمرات، آن هم پس از پایان رقابت و ثبت نتایج، تغییر می‌کند، در واقع این پیام به دانش‌آموز منتقل می‌شود که تلاش امروز او ممکن است با معیارهای متفاوتی در آینده سنجیده شود. در چنین فضایی، مفهوم برنامه‌ریزی بلندمدت با چالش جدی مواجه می‌شود، زیرا برنامه‌ریزی برای پیش‌بینی‌پذیری شکل می‌گیرد. اگر دانش‌آموز احساس کند آنچه امروز قطعاً به نظر می‌رسد، ممکن است فردا تغییر کند، به تدریج تمرکز خود را از یادگیری عمیق و هدفمند از دست می‌دهد و دچار نوعی اضطراب نسبت به آینده می‌شود.

در این شرایط، به جای آنکه انرژی ذهنی دانش‌آموز صرف یادگیری و رشد شود، بخش قابل توجهی از آن صرف تطبیق مداوم با تصمیمات و تغییرات پیش‌بینی نشده خواهد شد. به بیان دیگر، انگیزه درونی برای یادگیری به تدریج جای خود را به نگرانی از تغییرات ناگهانی و خارج از انتظار می‌دهد. به همین دلیل، نمی‌توان از دانش‌آموزی که در یک فضای ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفته است، انتظار داشت تا با اطمینان و آرامش برای آینده خود برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد. ثبات در سیاست‌های آموزشی، از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری اعتماد، انگیزه و برنامه‌ریزی مؤثر در میان دانش‌آموزان است.

بر اساس این دیدگاه، اگر بخواهیم به جای حل یک مسئله، صرفاً یک ناراضی را با ناراضی دیگری جایگزین کرده و پس از آن، هم آن‌ها که سال گذشته برای کسب نمرات بالای پایه یازدهم تلاش و سرما به‌گذاری کرده بودند، ناراضی هستند و هم کسانی که امسال با یاد امتحانات نهایی را پشت سر بگذارند و هیچ تغییری با توجه به شرایط جنگی برایشان ایجاد نشده است. به نظر شما آیا این تصمیم مسئله‌ای را حل کرده یا فقط صورت مسئله را تغییر داده است؟

خدمت در سایه داغ رهبر

در دستمان گذاشت. « به گوشه‌ای از موبک اشاره کرد. کتاب «دلی خونی که لعل شد» آنجا بود؛ کتاب خاطرات حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای گفت: «ما هر چه داریم از نیابت او داریم. هنوز هم این ورق‌ها، تنها مأمور ما در این دوران بی چراغ هستند. « از چایخانه به سردار» از اینکه چرا در این قاطع شلوغ، چایخانه حضرتی بنا کرده‌اند؟ پاسخ داد: «اینجا چایخانه حضرت امام رضا علیه‌السلام است. ما سال‌ها در حرم علی بن موسی الرضا خادم بودیم. بعد از «جنگ رمضان» و رفتن آن یگانه، هر کدام از ما در گوشه‌ای از شهر بخش شدیم. تا این فرهنگ‌ارادت رازنده نگه داریم. « پرسیدم: «اینجا که حرم نیست، آنجا صفا و حال‌وهوای دیگری نداشت؟» «مرد، لیوان چای را به دستم داد و با آرامشی عجیب گفت: «آقای شهیدمان هم خادم‌الرضا بود، اما می‌گفت تمام ایران حرم است. خدمت در محل کار و در کف خیابان، همان خدمت در حرم است. « به دستم نمک متبرک گذاشت. نگاهش پر از اطمینان بود. گفت: «از هر کجا که سلام بدهی، آقا صدایت می‌شنود؛ این نمک، پناه قلب بی‌قرار است در این روزهای پر از امتحان باشد. «

از موبک که بیرون آمدم، تهران بی‌آقا، دیگر آن قدرها هم بی‌پناه به نظر نمی‌رسید. در میان آن همه زخم و ویرانی پس از جنگ این خدمت بی‌منت، پیوندی بود که میان ما و آسمان مانده بود. فهمیدم که دل‌تنگی، اگر در مسیر خدمت خرج شود، می‌تواند به جای سکون، موتور حرکت یک ملت باشد. شهر من، اگرچه با دغاغلا است، اما هنوز در گوشه‌کنار خیابان‌هایش، عطر چای و دعای خدامی پیچیده که به حرمت خون آقا، ایستاده‌اند و نمی‌گذارند چراغ این سرزمین خاموش شود.

حل مسئله زمانی اتفاق می‌افتد که ریشه‌های یک چالش شناسایی و برطرف شود و در نهایت احساس عدالت و رضایت در میان ذی‌نفعان تقویت شود. اما آنچه در این ماجرا مشاهده می‌کنیم، بیشتر به تلاش برای توزیع ناراضی شباهت دارد تا حل واقعی مسئله!

زمانی که تصمیمات در حوزه‌های حساس آموزشی به جای تکیه بر یک نقشه راه روشن و بلندمدت، در واکنش به فشارها و مطالبات مقطعی اتخاذ شوند، طبیعی است که بخشی از مشکلات پابرجا بمانند. در این مورد نیز به نظر می‌رسد سیاست‌گذار تلاش کرده تعارض میان نگرانی‌های دو گروه از دانش‌آموزان را مدیریت کند، اما در این میان اصل مهم «عدالت رویه‌ای» تا حدی تحت‌الشعاع قرار گرفته است. نتیجه آن شده که از یک سو گروهی که نسبت به تأثیر قطعی نمرات دغدغه داشتند، همچنان با ایاهام و عدم قطعیت مواجه‌اند و از سوی دیگر، دانش‌آموزانی که بر اساس ضوابط اعلام‌شده برای کسب نمرات بهتر در پایه یازدهم برنامه‌ریزی و تلاش کرده بودند، احساس می‌کنند قواعد پس از پایان رقابت تغییر کرده است. بنابراین می‌توان گفت مسئله همچنان باقی مانده، تنها شکل بروز ناراضی‌ها تغییر کرده است. به عقیده من، مسئله اصلی فراتر از تأثیر معدل است و به ضرورت شکل‌گیری یک نظام سنجش پایدار، شفاف و قابل پیش‌بینی بازمی‌گردد. تا زمانی که تصمیمات آموزشی بیشتر جنبه کوتاه‌مدت و واکنشی داشته باشند، ناراضی‌ها از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شوند، اما چالش اصلی که همان کاهش اعتماد عمومی به نظام سنجش و پذیرش دانش‌جو است، همچنان پابرجا خواهد ماند.

اگر مبنای تصمیم‌شورای عالی انقلاب فرهنگی، شرایط ویژه امسال بوده است، چه ارتباطی میان این تصمیم و نمرات پایه یازدهم وجود دارد؟ داوطلبان کنکور امسال، نمرات پایه یازدهم خود را یک سال قبل و در شرایط عادی کسب کرده‌اند. آیا اساساً این دو موضوع قابل پیوند دادن هستند؟

به نظر من، این سؤال یکی از مهم‌ترین ایهام‌های موجود درباره این تصمیم مطرح می‌کند. اگر بخواهم از منظر اصول سنجش و ارزیابی به موضوع نگاه کنم، باید میان شرایطی که نمرات در آن کسب شده‌اند و شرایطی که بعداً پدید آمده‌اند، تفکیک قائل شوم. نمرات پایه یازدهم حاصل تلاش دانش‌آموزان در یک مقطع زمانی مشخص و بر اساس ضوابط و قواعدی بوده است که در همان زمان به آنها اعلام شده بود. در مقابل، شرایط ویژه‌ای که امروز درباره آن صحبت می‌شود، به‌بستر زمانی و شرایط متفاوتی تعلق دارد. از این رو، پیوند دادن این دو موضوع از منظر منطقی و آموزشی با پرسش‌های جدی مواجه است. در نظام‌های سنجش، از اصول پذیرفته‌شده این است که معیارهای ارزیابی پس از پایان فرایند سنجش و ثبت نتایج،

تأثیر تصمیمات بعدی قرار نخواهد گرفت. اعتماد به نظام آموزشی و سنجش نیز افزایش خواهد یافت. اگر بخواهید یک پیام هم به سیاست‌گذاران آموزشی و هم به دانش‌آموزانی که این روزها نسبت به آینده و سر نوشت تحصیلی خود نگران هستند منتقل کنید، مهم‌ترین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد چیست؟

مهم‌ترین نکته این است که در نظام آموزشی نباید فراموش کنیم که با اعتماد، ضرایب و فرمول‌های خشک اداری سروکار نداریم، بلکه با امید و آینده‌نسل‌های مواجهیم که در یکی از حساس‌ترین مقاطع زندگی خود قرار دارد. شاید یک نمره در نگاه سیاست‌گذار یا کارشناس آموزشی، صرفاً عددی در یک جدول باشد، اما برای دانش‌آموزی که ماه‌ها برای آن تلاش کرده، حاصل ساعت‌های طولانی مطالعه، اضطراب، چشم‌پوشی از بسیاری از خواسته‌های شخصی و امید به آینده‌ای بهتر است. به همین دلیل، هر تصمیم آموزشی باید فراتر از جنبه‌های فنی و اجرایی، از منظر تأثیر آن بر احساس عدالت، اعتماد و انگیزه دانش‌آموزان نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. نظام‌های آموزشی موفق، بیش از آنکه بر پیچیدگی مقررات و فرمول‌ها تکیه کنند، بر شفافیت، ثبات در تصمیم‌گیری و پایبندی به تعهدات خود استوار هستند. دانش‌آموز باید اطمینان داشته باشد که اگر بر اساس قواعد اعلام‌شده تلاش کند، نتیجه آن تلاش نیز در همان چارچوب مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. به باور من، بازسازی و تقویت اعتماد دانش‌آموزان به نظام سنجش و پذیرش دانشجو، ارزشی بسیار فراتر از هرگونه تغییر فنی در ضرایب و شیوه‌های محاسبه نمرات دارد. اگر این اعتماد آسیب‌بیند، جبران آن به مراتب دشوارتر از اصلاح هر آیین‌نامه یا دستورالعملی خواهد بود. امیدوارم تصمیم‌گیران آموزشی در همه سطوح، بیش از پیش به آثار انسانی و روانی تصمیمات خود توجه کنند و عدالت آموزشی را نه صرفاً در قالب بخشنامه‌ها و مصوبات، بلکه در تجربه واقعی دانش‌آموزان از مدرسه، آزمون و آینده تحصیلی‌شان معنا کنند.

بی‌تردید موفقیت هر نظام آموزشی زمانی رقم می‌خورد که دانش‌آموزان احساس کنند تلاش‌شان دیده می‌شود، حقوقشان محترم شمرده می‌شود و آینده‌شان در فضای عادلانه و قابل پیش‌بینی رقم می‌خورد.

ناراضی‌های دانش‌آموزان به خاطر سیاست‌های پراگماتیک است



علی حسوند

دبیر آموزش و پرورش

کنکور و امتحانات نهایی به یک تراژدی غمناک و بحث‌برانگیز برای دانش‌آموزان و داوطلبان حضور در دانشگاه بدل شده است. تصمیمات پی‌درپی و تغییر آنها از ناخستگی سیاست‌های آموزشی حکایت دارد. شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان متولی در امر سیاست‌گذاری‌های آموزشی و فرهنگی در ایران شناخته می‌شود. حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر این شورا از مثبت شدن تأثیر معدل نهایی پایه یازدهم برای کنکور ۱۴۰۵ خبر داد، به این معنا که نمرات دانش‌آموزان اگر از ۱۵ به بالا باشند می‌توانند نمره پایین کسب شده در کنکور را از تقادد و نمرات نهایی تأثیر منفی در کنکور نخواهند داشت. این تصمیمی بود که ناشی از رخدادهای اخیر کنکور و تجمعات دانش‌آموزان گرفته شد و بازم پاشنه اشیل‌های جدی در آن دیده می‌شود چرا که داوطلبان کنکور ۱۴۰۵ پایه یازدهم را در شرایط بهتری نسبت به دانش‌آموزان فعلی پایه یازدهم سب می‌کنند که تأثیر نمرات نهایی یازدهم در کنکور برایشان قطعی است. دانش‌آموزان پایه یازدهم امسال استرس جنگ، مجاری شدن کلاس‌ها و سرعت پایین دسترسی به خدمات آموزشی را تجربه کردند و در ایام پیش‌رو با امتحانات نهایی مواجه هستند نگران تأثیر قطعی این امتحانات در کنکور ۱۴۰۶ هستند.

از اوایل دهه دهنه تأثیر امتحانات نهایی بر روی کنکور آغاز شد و سال به سال با تغییر سیاست‌ها صد تأثیر امتحانات نهایی نیز افزوده شد. اما سؤال چالش‌برانگیز و مهم این است که آیا امتحانات نهایی می‌توانند جایگزین مناسب برای کنکور باشند؟ تجربه سال‌ها برگزاری امتحانات نهایی پس از تغییر سیاست‌ها در دهه نود می‌تواند تصویری دقیق و مشخص ارائه دهد. حجم گسترده حوزه‌های امتحانات نهایی می‌تواند سلامت این امتحانات را با چالش مواجه کند و گاهی شاهد تهدید افراد بر گزار کننده امتحانات نیز بوده‌ایم. از سوی دیگر چندسال استرس مداوم امتحانات نهایی، ترمیم معدل و کنکور می‌تواند سلامت روان دانش‌آموزان را با مشکل جدی مواجه کند یا باعث بی‌انگیزگی آنها شود. این مسائل اقتدر مهم و اساسی هستند که شورای عالی انقلاب فرهنگی باید ساعت‌ها با کارشناسان و محققان آموزشی جلسه بگذارد و مسائل مختلف را واکاوی کند.

تجمعات دانش‌آموزان و کمپین‌های آنان علیه برنامه‌های آموزشی گویای خشم نهفته دانش‌آموزان علیه رویه‌ها و سیاست‌های پراگماتی است که نیاز به اصلاحات اساسی در آنها صورت گیرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی در اس‌ان رئیس‌جمهور قرار دارد باید دغدغه‌های دانش‌آموزان پایه یازدهم را در اولویت جلسات خود قرار دهد و مبتنی بر عدالت آموزشی تأثیرات امتحانات نهایی یازدهم را برای کنکور ۱۴۰۶ مثبت کند که از استرس و دغدغه‌های آنان بکاهد و با استمرار جلسات اصلاحات مؤثری در جهت کاهش استرس دانش‌آموزان و برقراری عدالت آموزشی مصوب کند.

جشنواره قرعه‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز بانک رفاه کارگران

با مهربانی‌هایتان، دل‌هایی گرم و امیدهایی زنده می‌شوند

۱/۰۶۶ جایزه ویژه نقدی هر یک به ارزش ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱/۰۶۶ کمک‌هزینه خرید خودرو ساخت داخل هر یک به ارزش ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱/۰۶۶ کمک هزینه خرید لوازم خانگی تولید داخل هر یک به ارزش ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

و هزاران جایزه نقدی دیگر

شرایط شرکت در قرعه‌کشی

- حفظ حداقل موجودی ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال طی ۳ ماه یا ۹۰ روز
- متولی از تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ تا پایان ۱۳۹۵/۰۶/۳۰
- مفتوح بدون حساب و دانش‌سن حداقل موجودی (۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) در روز برگزاری قرعه‌کشی
- دارا بودن کد شهاب

آخرین مهلت افتتاح حساب با تکمیل موجودی ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

مرکز پاسخگویی (فرازد) ۰۲۱-۸۵۲۵

bankrefahkargaran

بانک رفاه کارگران

REFAH KARGARAN BANK

روابط عمومی بانک رفاه کارگران